احكام و تعاليم فردى - نهی از معاشرت با اشرار و منافقين و ناقضين

حضرت بهاءالله



**نهی از معاشرت با اشرار و منافقين و ناقضين**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " أَنْ يَا نَصِيْرُ تَجَنَّبْ عَنْ مِثْلِ هَؤُلَاءِ ثُمَّ فِرَّ عَنْهُمْ إِلَی ظِلِّ عِصْمَةِ رَبِّکَ وَکُنْ فِي حِفْظٍ عَظِيْمٍ ثُمَّ اعْلَمْ بِأَنَّ نَفْسَ الَّذِي يَخْرُجُ مِنْ هَؤْلَاءِ إِنَّهُ يُؤَثِّرُ کَمَا يُؤَثِّرُ نَفْسُ الثُّعْبَانِ إِنْ أَنْتَ مِنَ الْعَارِفِيْنَ کَذَلِکَ أَلْهِمْنَاکَ وَعَلَّمْنَاکَ بِمَا هُوَ الْمَسْتُوْرُ عَنْکَ لِتَطَّلِعَ بِمُرَادِ اللَّهِ وَتَکُوْنَ عَلَی بَصِيْرَةٍ ‌مُنِيْرٍ. طَهِّرْ يَدَکَ عَنْ التَّشَبُّثِ إِلَی غَيْرِ اللَّهِ وَالْإِشَارَةِ إِلَی دُوْنِهِ کَذَلِکَ يَأْمُرُکَ قَلَمُ الْقِدَمِ إِنْ أَنْتَ مِنَ السَّامِعِيْنَ "

(لوح نصير ص ١٩٩ مجموعه الواح حضرت بهاءاللّه)

2 - " قُلْ‌ أَنْ يَا أَحِبَّائِي ثُمَّ أَصْفِيَائِي اسْمَعُوْا نِدَاءَ هَذَا الْحَبِيْبِ الْمَسْجُوْنِ فِي هَذَا السِّجْنِ الْأَكْبَرِ إِنْ وَجَدْتُمْ مِنْ أَحَدٍ أَقَلَّ مِنْ أَنْ يُحْصَی رَوَائِحَ الْإِعْرَاضِ فَاعْرِضُوْا عَنْهُ ثُمَّ ‌اجْتَنِبُوْهُ ... لِأَنَّهُمْ مَظَاهِرُ الشَّيْطَانِ " (ص ٤٥١ گنجينه حدود و احکام )

و در همين لوح مبارک ،حضرت عبدالبهاء از جمال قدم ميفرمايند :

3 - " برجميع احبّاءاللّه لازم که ازهر نفسی که رائحه بغضا از جمال عزّابهی ادراک نمايند از او احتراز جويند اگر چه بکلّ آيات ناطق شود و بکلّ کتب تمسّک جويد (اِلَی اَنْ قَالَ عِزّ اسْمُهُ ) پس در کمال حفظ خود راحفظ نمايند که مبادا بدام تزوير وحيله گرفتار آيند( و در خطاب ديگر ميفرمايد ) پس ازچنين اشخاص اعراض نمودن اقرب طُرُق مَرَضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفَسشان مثل سمّ سرايت کننده است ... ( و د رخطاب ديگر ميفرمايد ) بسيار در حفظ نفس خود سعی نمائيد چه که شياطين بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و به هر نفْسی بطريق او برآيند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود واگذارند (و در خطاب ديگر ميفرمايد) هر نفْسی که از او غلّ غلام استشمام نمائيد از او اِعراض کنيد اگر چه به زُهد اوّلين و آخرين ظاهر شود و يا بعبادت ثقلين قيام نمايد ... ". (ص ١-٤٥٠ گنجينه حدود و احکام)

4 - " جميع شما اشجار رضوان قدس منيد که بدست مرحمت خود در ارض مبارکه غرس فرمودم و به نيسان رحمت بی زوال خود تربيت نمودم و از حوادث کَوْنيّه و خطرات ملکيّه ، بملائکه حفظيّه حفظ فرمودم ... پس ای اشجار رضوان قدس عنايت من خود را از سموم انفس خبيثه و ارياح عقيمه که معاشرت بمشرکين و غافلين است حفظ نمائيد تا اشجار وجود ، از جود معبود ، از نفحات قدسيّه و روحات انسيّه محروم نگردد و لازال در رضوان قدس احديّه جديد و خرّم ماند".

(لوح مبارک بدائع نصائح الهی يا لوح احمد فارسی - ص ٩-١١٨ دريای دانش)

5 - " معاشرت با جميع احزاب را اذن داديم مگر نفوسی که رائحه بغضاء در امراللّه مولی الوری از ايشان بيابند. از امثال آن نفوس احتراز لازم أَمْرَاً مَنْ لَدَی اللّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ". (ص ٨٦ ج ٣ امر و خلق)

6 - " اگر نفوس غافله از کلمات نصحيّه متنبّه شدند فنعم المراد والّا احتراز از چنين نفوس لازم و واجب . در اين ظهور ابداً اعمال شنيعه و شؤونات نفْسيّه مقبول نبوده و نخواهد بود ". (ص ٨٩ ج ٣ امر و خلق)

7 - " زينهار ای پسر خاک با اشرار الفت مگير و مؤانست مجو که مجالست اشرار نورجان را بنار حُسبان تبديل نمايد".

(ق ٥٧ کلمات مکنونه فارسی)

8 - " بسا از نفوس که خود را بحقّ نسبت داده و سبب تضيع امراللّه شده اند. اجتناب از چنين نفوس لازم ".

(ص ٤٤٨ گنجينه حدود و احکام)

9 - " از دشمن دوست نما بگريزيد و بدوست يکتا دل بنديد ". (ص ٨٢ دريای دانش)

**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " از اساس اعظم امراللّه اجتناب و ابتعاد از ناقضين است ". (از الواح مبارکه وصايا ص ٤٧٧ رساله ايّام تسعه)

2 - " هر نفسی مشاهده کنيد که ذرّه‌ای حرکت نالايقی دارد و يا رائحه غير تقديس از او استشمام ميشود البتّه فوراً احتراز نمائيد و تجنّب کنيد زيرا ضرّ امراللّه در تقرّب به آنست چه که نفوسی پيدا شده اند که اسير نفْس و هوی هستند و نام حقّ بر زبان ميرانند. اين نفوس در امراللّه از سمّ قاتل بدتر و بسيار احتياط لازم است ". (ص ٥-٨٤ ج ٣ امر و خلق)

3 - " جمال مبارک در جميع الواح و رسائل احبّای ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد باب منع فرمود که نفْسی نزديکی بآنان نکند زيرا نفَسشان مانند سمّ ثُعْبان ميماند فوراً هلاک ميکند " . (ص ٤٤٩ گنجينه حدود و احکام)

4 - " سؤال نموده بوديد به نصّ کتاب اقدس عَاِشُرْوا مَعَ الْاَدْيَانِ بِالرُّوْحِ وَالرَّيْحَانِ است . مقصد از اين بيان آنست که اهل بها با هيچ طايفه غرض و مرضی نداشته باشند. باکلّ به محبّت حرکت نمايند و تنجيس ننمايند و اجتناب نکنند ... مراد معاشرت با نفوس است که از آنها مضرّت حاصل نشود . مثلاً بسيار ملاحظه شد که نفوسی در نهايت محبّت و انجذاب و روح و ريحان بوده با طبيعيّون و اهل فسق الفت و معاشرت نمودند بکلّی عاطل و باطل گشتند حتّی در ارض مقدّس يک دو جوان را پروتستانها بعنوان تعليم لسان بخانه خويش بردند و بعض اسباب نامشروع مثل معاشرت نسوان فراهم آوردند . نزديک بود که بکلّی آنان را بواسطه اين وسايل منحرف نمايند. اين عبد منع نمود بلکه از عکّا بجای ديگر فرستاد". (ص ٩-٤٤٨ گنجينه حدود و احکام)

5 - " ای بنده حقّ راستی و دوستی و صلح و آشتی با جميع عالميان از متقضای حقّ پرستی است در اين دور ابهی الحمدللّه ضديّت و قساوت و عداوت و مخالفت و عصبيّتِ جاهليّت و معاندتِ دينيّه و معارضات مذهبيّه وجور و جفا بکلّی مرتفع گشته. بايد با جميع عالميان بنهايت رَوح و ريحان معامله نمود مگر منافقان . از منافق احتراز و اجتناب لازم زيرا سبب خمودت و جمودت و کسالت و غفلت و برودت گردند . نفَسشان مثل سرمای زمهرير است . هر چند انسان در نهايت صحّت و تندرستی باشد از بَرد شديد، کسالت و ارتعاش و زکام حاصل گردد. اين است که نفوس طيّبه از روايح کريهه مشمئزّ گردند. لهذا د رآيات الهيّه الفت با کافّه ملل و همچنين احتراز از اهل نفاق و خلل ، نازل گشته وَعَلَيْکَ التَّحِيَّةُ وَ الثَّنَاءُ ع ع "

(ص ١-٩٠ ج ٣ امر و خلق)

6 - " سؤال از چگونگی معاشرت با اشخاص بد عمل کردند. فرمودند: آن نيز دو قسم است . قسمی ضرّش بخود صاحب عمل راجع است و متعدّی نيست . البته بايد بحکمت شخص بد عمل را آگاه و تربيت نمود. مريض است بايد او را شفا داد. امّا قسمی است که ضرّش بديگران ميرسد و معاشرت با چنان شخص سبب سوء اخلاق ميشود . در اينصورت حشر با آن نفوس جائز نه مگر برای کسانی که بر منع و تربيت قادر و غالب باشند و حتی الامکان سبب تعديل اخلاق و تحسين اطوار گردند والّا حفظ هيئت اجتماعيّه از مضرّات اعمال آنگونه اشخاص راجع بمراکز عدل و داد است . اينست که د رالواح جمال مبارک هم حکم معاشرت با اديان و وحدت عالَم انسان است و هم منع الفت با اشرار و لزوم احتراز از اهل نفی و انکار".

(ص ٦-٦٥ ج ١ بدائع الآثار)

7 - " ای بنده الهی اطفال را بايد از مجالست اَقرانِ سوء اهلِ نفْس و هوی محافظت نمود زيرا سوء اخلاق سرايت نمايد و اين مانع از عاشروا مع الاديان نيست ". (ص ٤٤٩ گنجينه حدود و احکام)

**حضرت ولی امر الله:**

1 - " معاشرت و تکلّم با مطرودين بهيچ وجه من الوجوه جائز نه " (ص ٢٨٤ج ٣ توقيعات مبارکه ٤٨-١٩٢٢)